



تحلیل

آیا اصلاحات پادشاه عربستان پایانی بر سلطه و هایت است؟

کرده‌اند. تغییرات در این مجلس از چند جهت قابل توجه است: یک عضو خاندان سلطنتی به عضویت آن درآمده است، پنج تن از ۱۵۰ عضو مجلس را شیعیان تشکیل می‌دهند و میانگین سنی مجلس از ۷۰ سال به ۴۰ سال تغییر یافته است. همچنین ملک عبدالله در چارچوب اصلاحات جدید، دو نهاد تازه به‌عنوان دادگاه عالی اداری و دیوان کشور را ایجاد کرده است. همه اینها از تغییر خط‌مشی جدی خبر می‌دهد؛ زیرا تغییرات به ترمیم نهاده محدود نمی‌شود، بلکه جریان‌های عقیدتی و اشخاص را نیز در برمی‌گیرد. برخی از این اشخاص که به فرمان شاه سعودی از رأس نهادهای مهم کشور کنار گذاشته شده‌اند، اخیراً با اظهارات آتشین معروف شده بودند. از جمله این افراد، باید به شیخ صالح اللمیدان اشاره کرد که در ژانویه گذشته در فتوایی تظاهرات ضدصهیونیستی را منع و در فتوایی دیگر در سپتامبر ۲۰۰۸، مسئولان شبکه‌های تلویزیونی پخش‌کننده برنامه‌های غیراخلاقی و شیطنانی را حلال کرده بود. این فرد که از سال ۱۹۹۲ در رأس شورای عالی قضایی قرار داشت، امروز با صالح‌الغیث جایگزین شده است. همچنین رئیس کمیسیون امر به معروف و نهی از منکر که پلیس‌های مسئول برقراری آداب و رفتارهای اسلامی در کشور را هدایت می‌کند و بر ساعات تعطیلی مراکز تجاری در زمان اقامه نماز نظارت دارد، تغییر کرده و از این پس، شیخ عبدالعزیز الحمیرین بر آن ریاست می‌کند. این فرد در مصاحبه‌ای با شبکه العربیه که عمده سرمایه آن به سعودی‌ها تعلق دارد، پاراز چارچوب‌های شکلی و نمادین فراتر گذاشته و اعلام کرده است که پلیس مذهبی تحت فرمان وی، از این پس می‌کوشد با همه شهروندان راه بیاید. البته این بدان معنا نیست که در عربستان شاهد فروافتادن عباها و چادرها و ظهور لباس‌های کوتاه خواهیم بود، اما از تغییری جدی در روند اعمال نظارت سخت‌گیرانه پلیس

یک مؤسسه تحقیقاتی فرانسوی با درج تحلیلی، اصلاحات اخیر صورت گرفته در کادر سیاسی عربستان سعودی را مقدمه پایان سلطه اندیشه و هایت بر این کشور ارزیابی کرد. بارا میکایل، پژوهشگر مؤسسه روابط بین‌المللی و راهبردی فرانسه (ایریس)، با طرح این پرسش که آیا عربستان سعودی با در پیش گرفتن اصلاحات ریشه‌ای به پایان وهابی‌گری در اداره کشور می‌انديشد؟ به تحلیل تغییرات اخیر در حاکمیت عربستان توسط ملک عبدالله پرداخته و تصریح کرد: ترمیم‌های صورت گرفته از تغییرات ریشه‌ای در حاکمیت سعودی خبر می‌دهد. بنابراین تحلیل، تغییرات تنها به دلیل ابعاد و گستردگی و ماهیت آن اهمیت ندارد و اینکه ملک عبدالله نخستین بار از زمان در اختیار گرفتن قدرت در اوت ۲۰۰۵ به تغییرات این چنینی اقدام کرده است، بر اهمیت آن افزوده است. در ادامه این تحلیل آمده است: با اصلاحات اعلام شده در ۱۳ فوریه گذشته، شاه سعودی تحولات قابل ملاحظه‌ای را در نظر داشته است. تغییرات در سه حوزه کلیدی دین، قضایی و نظامی، به سادگی از بازمبانی در اهداف نهادهای اداره‌کننده کشور حکایت دارد. بر این اساس، چهار وزیر کلیدی آموزش، بهداشت و درمان، اطلاع‌رسانی و دادگستری تغییر کرده‌اند. همین‌طور تغییراتی در رأس بانک مرکزی، شورای عالی قضایی مجلس مشورتی، کمیسیون امر به معروف و نهی از منکر یا همان پلیس مذهبی و کمیسیون ملی حقوق بشر رخ داده است. علاوه بر این، شورای علمای اعلم کشور که در آن اصلی‌ترین علما حضور دارند، از این پس ۲۱ عضو خواهد داشت که تنها به مذهب تندروی حنبلی محدود نمی‌شود، بلکه اعضای آن از میان تمامی مذاهب اهل سنت برگزیده شده‌اند. همچنین ۷۹ عضو مجلس مشورتی که نوعی دستگاه قانون‌گذاری کم‌اثر محسوب می‌شود، تغییر

مذهبی عربستان در دهه‌های اخیر حکایت می‌کند. همچنین نباید حضور نوره فائزه، اولین زن در کابینه به عنوان وزیر آموزش زنان را فراموش کنیم که مستقیماً با وزیر آموزش و شاهزاده فیصل بن عبدالله، داماد ملک عبدالله، کار خواهد کرد. اگر بدانیم صعود زنان در کشور سعودی به چنین سطحی از مدیریت دولتی تا چه حد سخت است، به اهمیت پیام این تحول پی می‌بریم. این تغییر و تحولات که در ماه‌ها و سال‌های آتی نیز با تحولاتی دیگر تکمیل خواهد شد، نشان از آن دارد که ملک عبدالله ۸۴ ساله می‌خواهد منافع کشورش را حفظ کند. همچنین این اصلاحات می‌تواند در راستای مقابله با خطراتی که سلطنت را از داخل تهدید می‌کند، ارزیابی شود. در این زمینه دو خطر اصلی وجود دارد: یکی تندروی‌های مذهبی در عربستان که جوانان کشور را طعمه گروه‌های القاعده می‌کند که در سال‌های اخیر به عملیات تروریستی در کشورهای آمریکا، اردن، مصر، الجزایر، مغرب و خود عربستان دست زده‌اند و در صف تروریست‌های فعال در عراق قرار گرفته‌اند.

دیگری ادامه ناراضی‌هایی که از حکومت در استان‌های شرقی و جنوبی که خطر از دست رفتن کنترل دستگاه سلطنت بر این مناطق را در پی دارد. در این زمینه، به ویژه باید به استان‌های شیعه‌نشین شرق اشاره کرد که تقریباً کل ذخایر نفتی عربستان را در خودشان جای داده‌اند. در چنین بستری، بحران مالی جهانی نیز که باعث کاهش ۷۰ درصدی بهای نفت شده، مزید بر علت گردیده است. در عین حال، باید به محدودیت‌های تغییرات در عربستان نیز اشاره کرد. بر این اساس، سه وزیر امور خارجه کشور و دفاع تغییر نکرده‌اند. در خصوص سعود الفیصل، وزیر امور خارجه، که از ۳۴ سال قبل در این سمت قرار دارد، آن همه اسرار ملی و بین‌المللی که وی در ذهن دارد و روابط نزدیک وی با آمریکا، هرگونه تغییری دور از ذهن به نظر می‌رسد. نایف بن عبدالعزیز نیز که از سال ۱۹۷۵ وزیر کشور است، به دلیل اداره مطلوب امور امنیتی کشور و بخصوص انهدام چندین سلول تروریستی در ماه‌های اخیر، غیرقابل جایگزینی است. این گزارش تحلیلی در پایان نتیجه‌گیری می‌کند که اصلاحات در عربستان سعودی یک راهبرد و هدف را به ذهن متبادر می‌سازد و آن اینکه چگونه کشور را از قید ایدئولوژی حکومتی رسمی، یعنی وهابی‌گری رها ساخت؛ بی‌آنکه این عنوان به طور رسمی دست‌نخورده باقی بماند؟ مسلم است که نمی‌توان یک‌شبه به ۲۵۰ سال برنامه سیاسی و اصول حکومتی رسمی پشت کرد و کشور را در خطر امنیت ملی قرار داد. اصلاحات در عربستان سعودی موجب دلگرمی ضروری و برای آینده سلطنت حیاتی است، اما نباید در خصوص آثار آن فعلاً اغراق کرد. آنچه عربستان بدان نیاز دارد، به جز تلطیف فضای اجتماعی، بهبود چشم‌انداز اقتصاد ملی، توسعه زیرساخت‌ها و صنایع است که بتوانند در روزهای تمام شدن نفت، کشور را نجات دهند. ایجاد اشتغال نیاز دیگر این کشور است که در آن حتی دانش‌آموخته‌های جوان امیدی ندارند و نرخ بیکاری به بیست درصد جمعیت کشور بالغ می‌شود. همه اینها، به علاوه روشن شدن وضعیت جانشینی ملک عبدالله، از این حکایت می‌کند که عربستان در مسیر اصلاحات، راه درازی را در پیش دارد.